

مصادیق سیاست جنایی مشارکتی در قوانین جمهوری اسلامی ایران

یحیی حسین اکبری^۱

چکیده

پژوهش حاضر به بررسی مصادیق سیاست جنایی مشارکتی پیشگیرانه در نظام حقوقی ایران می‌پردازد. هدف اصلی، شناسایی و تحلیل رویکردهای مشارکتی در پیشگیری از جرم و ارزیابی اثربخشی آن‌ها است. روش تحقیق توصیفی-تحلیلی بوده و از طریق مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای انجام شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که مصادیق این سیاست در دو دسته نهادی و فرایندی شامل شوراهای حل اختلاف، سازمان‌های مردم‌نهاد، انجمن حمایت از زندانیان، ستاد دیه، میانجیگری کیفری، خدمات اجتماعی و اقدامات تأمینی و تربیتی قابل طبقه‌بندی هستند. بررسی‌های آماری نشان می‌دهد این نهادها در کاهش جرایم و پیشگیری از تکرار جرم موفق بوده‌اند. به‌عنوان مثال، شوراهای حل اختلاف بیش از ۶۰ درصد پرونده‌های ارجاعی را به صلح و سازش رسانده‌اند. البته چالش‌هایی چون عدم انسجام نهادی و ابهامات قانونی وجود دارند، اما فرصت‌هایی مانند سرمایه اجتماعی قوی و افزایش آگاهی عمومی نیز موجود است. پژوهش پیشنهاد می‌کند با اصلاح قوانین، تقویت زیرساخت‌ها و توسعه برنامه‌های آموزشی، اثربخشی سیاست جنایی مشارکتی پیشگیرانه افزایش یابد.

کلیدواژه‌ها: قوانین، ایران، سیاست جنایی مشارکتی، نهادهای مدنی، مشارکت اجتماعی.

۱. دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، مدرسه عالی علوم انسانی، حکمت و تاریخ، جامعه المصطفی العالمیه، مشهد، ایران.



مقدمه

امروزه با پیچیده‌تر شدن روابط اجتماعی و تنوع روزافزون جرایم، رویکرد سنتی و انحصاری دولت در مقابله با پدیده مجرمانه، کارآمدی خود را از دست داده است. تجربه نظام‌های حقوقی پیشرفته نشان می‌دهد که موفقیت در پیشگیری از جرم و کنترل بزهکاری، مستلزم مشارکت فعال جامعه مدنی و نهادهای غیردولتی است. این رویکرد که از آن تحت عنوان «سیاست جنایی مشارکتی» یاد می‌شود، در دهه‌های اخیر مورد توجه قانون‌گذار ایران نیز قرار گرفته است.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصول متعدد، از جمله اصول ۳، ۸ و ۱۵۶، بر مشارکت مردم در امور اجتماعی تأکید کرده است. در راستای تحقق این اصول، قوانین عادی متعددی به تصویب رسیده که زمینه مشارکت نهادهای مدنی در فرایند پیشگیری از جرم را فراهم می‌آورد. تأسیس شوراهای حل اختلاف، پذیرش میانجیگری کیفری در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، به رسمیت شناختن نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در فرایند دادرسی کیفری، و حمایت از نهادهایی چون ستاد دیه و انجمن حمایت از زندانیان، نمونه‌هایی از این رویکرد مشارکتی است. با این حال، علی‌رغم وجود ظرفیت‌های قانونی متعدد، هنوز موانع و چالش‌های جدی در مسیر تحقق کامل سیاست جنایی مشارکتی در ایران وجود دارد. عدم انسجام و هماهنگی میان نهادهای مشارکت‌کننده، فقدان سازوکارهای نظارتی مؤثر، محدودیت‌های مالی و اجرایی، و ضعف فرهنگ مشارکت اجتماعی، از جمله این چالش‌ها محسوب می‌شوند. شناخت دقیق این مصادیق و تحلیل علمی چالش‌های پیش‌رو، گام نخست در جهت ارتقای کارآمدی این رویکرد است.

پژوهش حاضر با هدف شناسایی و تحلیل مصادیق سیاست جنایی مشارکتی در قوانین ایران، به دنبال پاسخ به این پرسش اساسی است که چه ظرفیت‌های قانونی برای مشارکت جامعه مدنی در پیشگیری از جرم وجود دارد و چگونه می‌توان این ظرفیت‌ها را به نحو مؤثرتری به کار گرفت. یافته‌های این پژوهش می‌تواند راهگشای قانون‌گذار و مجریان قانون در جهت تقویت و توسعه رویکرد مشارکتی در نظام عدالت کیفری ایران باشد.

اهمیت و ضرورت پژوهش

مطالعات جرم‌شناختی نشان می‌دهند که موفقیت برنامه‌های پیشگیری از جرم به میزان مشارکت و همکاری شهروندان و نهادهای مدنی وابسته است. اهمیت این پژوهش از منظرهای نظری، عملی و اجتماعی قابل توجه است. در حوزه نظری، این پژوهش با شناخت مصادیق قانونی سیاست جنایی مشارکتی در ایران، به غنای ادبیات علمی کمک می‌کند. از نظر عملی، یافته‌های پژوهش می‌تواند راهنمای سیاست‌گذاران و مجریان قانون در بهره‌گیری مؤثر از ظرفیت‌ها و رفع چالش‌های اجرایی باشد. از بُعد اجتماعی، توسعه مشارکت مردمی در پیشگیری از جرم منجر به افزایش سرمایه اجتماعی و تقویت همبستگی اجتماعی می‌شود. مطالعات نشان می‌دهند که در جوامعی با مشارکت فعال‌تر شهروندان، میزان جرایم کمتری دارند. از منظر اقتصادی، مشارکت جامعه مدنی در پیشگیری از جرم باعث کاهش هزینه‌های نظام عدالت کیفری می‌شود. تجربه نهادهایی مانند

شوراهای حل اختلاف و میانجیگری کیفری نشان داده که سازوکارهای مشارکتی هزینه‌های کمتری نسبت به رسیدگی‌های قضایی سنتی دارند. این پژوهش می‌تواند به شناسایی خلأهای قانونی و ارائه پیشنهادها برای اصلاحی برای بهبود چارچوب حقوقی موجود کمک کند. انجام پژوهشی جامع در خصوص مصادیق سیاست جنایی مشارکتی در قوانین ایران ضروری است.

سؤالات پژوهش

سؤالات اصلی: مصادیق سیاست جنایی مشارکتی پیشگیرانه در قوانین ایران کدامند و چه ظرفیت‌هایی برای توسعه آن وجود دارد؟

سؤالات فرعی: ۱. جایگاه قانونی و حدود اختیارات شوراهای حل اختلاف در پیشگیری از جرم چیست؟
۲. نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در فرایند پیشگیری از جرم چگونه تعریف شده است؟

چارچوب نظری

سیاست جنایی مشارکتی بر پایه نظریه عدالت ترمیمی و رویکرد مردم‌سالارانه به عدالت کیفری استوار است. این رویکرد با گذار از الگوی سنتی دولت‌محور، بر مشارکت فعال جامعه مدنی در پیشگیری از جرم تأکید دارد. مبنای نظری این رویکرد، اصل مسئولیت اجتماعی و نظریه کنترل اجتماعی است که بر نقش نظارت غیررسمی جامعه در پیشگیری از جرم تأکید می‌کند. این چارچوب، ضرورت تعامل سازنده میان نهادهای دولتی و مدنی را مورد توجه قرار می‌دهد.

تحول تاریخی سیاست جنایی مشارکتی در ایران

در سال ۱۳۲۰، یکی از نویسندگان در تقریرات درسی حقوق جزای عمومی خود، اصطلاح «سیاست جزایی» را به کار برد و آن را به عنوان روش صحیح مبارزه با جرم، شامل از بین بردن علل واقعی جرم تعریف کرد. وی تأکید داشت که عوامل اقلیمی، فردی و اجتماعی نقش اصلی در وقوع جرم دارند (باهری، ۱۳۸۴، صص. ۲-۲۱). در سال ۱۳۳۴، یکی از حقوق‌دانان اصطلاح «سیاست جنایی» را به عنوان مجموعه‌ای از روش‌های مبارزه با جرم و پیشگیری از آن معرفی کرد (علی‌آبادی، ۱۳۷۳، ص. ۵). در سال ۱۳۴۰، یک قاضی دادگستری نیز به تحولات جدید در حقوق جزای ایران و لزوم تغییر در سیاست جزایی اشاره کرد (لازرژ، ۱۳۸۱، ص. ۲۷).

در سال ۱۳۵۰، یکی دیگر از نویسندگان در جزوه جرم‌شناسی و سپس در کتاب خود در سال ۱۳۵۳، اصطلاح سیاست جنایی را به کار برد و به مفهوم موسع آن اشاره کرد (مظلومان، ۱۳۵۶، ص. ۲۶۶).

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، نظام حقوقی کشور با تغییرات بنیادین مواجه شد. سیاست جنایی در ایران تحت تأثیر مبانی دینی بر پیشگیری از جرم، اصلاح و درمان مجرمین تمرکز دارد و با مشارکت مردم، برنامه‌های تربیتی، معنوی و اعتقادی را نیز شامل می‌شود. این سیاست جنایی در ایران مفهوم بسیار گسترده‌تری نسبت به غرب دارد. هدف نهایی سیاست جنایی در ایران، ایجاد یک نظام حقوقی منطبق با اصول اسلامی و فرهنگ بومی است که علاوه بر مجازات، بر اصلاح و بازپروری مجرمین تأکید داشته باشد. این



رویکرد شامل مشارکت جامعه و نهادهای مدنی در برنامه‌های پیشگیری از جرم و اصلاح مجرمین می‌باشد. ورود اصطلاح سیاست جنایی به ادبیات حقوقی ایران به سال ۱۳۱۴ بازمی‌گردد، زمانی که متین دفتری در دانشکده حقوق دانشگاه تهران درباره «سیاست جزایی» سخنرانی کرد. او تعریف مشخصی از این عنوان ارائه نداد، اما از سخنانش برمی‌آید که مقصودش چگونگی اجرای نظام کیفری در برابر جرم، مجرم و پدیده‌های مجرمانه توسط نهادهای حقوق کیفری بود، که مفهومی محدود از سیاست جنایی است.

مبانی حقوقی و فقهی سیاست جنایی مشارکتی

سیاست جنایی مشارکتی پیشگیرانه در نظام حقوقی ایران، دارای مبانی متعدد حقوقی و فقهی است.

الف) مبانی فقهی

امر به معروف و نهی از منکر: این اصل بنیادین در فقه اسلامی، از اعظم فرایض (حلی، ۱۳۶۵، ص. ۳۲۲) و مهم‌ترین مبانی شرعی مشارکت عمومی در پیشگیری از جرم محسوب می‌شود. فقهای امامیه، این اصل را واجب کفایی دانسته‌اند که بر عموم مکلفین واجب است (طوسی، ۱۳۸۷، ص. ۸۳؛ هذلی حلی، ۱۴۰۹ق، ص. ۵۶۹) و لذا در سیاست جنایی اسلام، پیشگیری از جرم از مسائل کلیدی و مهم است. علاوه بر حکومت اسلامی، هر فرد مکلفی نیز موظف به انجام این وظیفه است تا جامعه از برکات اقتصادی، اجتماعی و امنیتی آن بهره‌مند شود (خوشکار و همکاران، ۱۳۹۱، ص. ۲۶۲؛ محدث، ۱۳۹۳، ص. ۲۶).

اصلاح ذات‌البین: یکی از برنامه‌های مهم و مؤکد در دین اسلام در مقابله با اختلاف‌های حقوقی از جمله اختلاف‌های کیفری که فراتر از یک دستور اخلاقی است «اصلاح ذات‌البین» است و در آیات و روایات متعددی به آن پرداخته شده است (ابن بابویه قمی، ۱۴۰۶ق، ص. ۲۸۸؛ حجرات ۱۰/؛ نساء/۱۲۸) که نشان از اهتمام دین مقدس اسلام به این برنامه مهم است؛ زیرا دارای آثار فردی و اجتماعی مفیدی برای طرفین اختلاف و جامعه است. اصلاح ذات‌البین در برخی قوانین قبل و بعد از انقلاب مطرح شده است. در ماده ۱ و ماده ۱۹۲ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ و نیز در ماده ۱۹۵ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری، از دادگاه خواسته شده است که در جرایم قابل گذشت طرف‌های دعوی کیفری را آشتی دهد و در صورتی مبادرت به صدور رأی کند که موفق به آشتی دادن آنان نشود. همچنین با ایجاد شوراهای حل اختلاف، یکی از وظایف این شوراها «اصلاح ذات‌البین» و ایجاد صلح و سازش بین طرف‌های اختلاف است (توجهی و همکاران، ۱۳۸۷، ص. ۱۹۵). مطالعات جرم‌شناختی نشان می‌دهند که موفقیت برنامه‌های پیشگیری از جرم به میزان مشارکت و همکاری شهروندان و نهادهای مدنی وابسته است. اصلاح ذات‌البین راهکاری اساسی در اسلام و قوانین ایران برای حل اختلافات حقوقی و کیفری است. این مکانیزم با عدالت ترمیمی همسو است و بر جبران خسارت و برقراری صلح تمرکز دارد. دستاوردهای این رویکرد شامل اجرای عدالت، ترمیم خسارات، پیشگیری از تکرار جرم و کاهش بار دستگاه قضایی است. افزایش توجه به عدالت ترمیمی، فرصت مناسبی برای بهره‌گیری از اصلاح ذات‌البین فراهم می‌سازد. هدف نهایی، ایجاد

راهکارهای بومی برای حل اختلافات با تکیه بر اصول اسلامی و نیازهای جامعه است که ضمن حفظ کرامت انسانی، زمینه‌های اصلاح و بازسازی روابط اجتماعی را محقق سازد.

تعاون بر بَر و تقوی: تعاون بر بر و تقوی به معنای اجتماع بر ایمان و عمل صالح بر اساس تقوای الهی است (طباطبائی، بی‌تا، ج. ۵، ص. ۱۶۳) و در سیاست جنایی مشارکتی پیشگیرانه، از مهم‌ترین راهبردهای اسلامی در پیشگیری از جرم و آسیب‌های اجتماعی محسوب می‌شود. این مفهوم برگرفته از آیات قرآن کریم و روایات است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ص. ۱۲۱) که بر همکاری و مساعدت عمومی در راستای نیکی و پرهیزگاری تأکید می‌ورزد. تعاون بر بَر و تقوی، چارچوبی فقهی-حقوقی برای مشارکت همگانی در پیشگیری از جرم فراهم می‌کند که در آن، کنشگران مختلف اجتماعی اعم از نهادهای رسمی و غیررسمی، مسئولیت مشترک در کاهش آسیب‌های اجتماعی را بر عهده می‌گیرند. این رویکرد مبتنی بر اصول اسلامی، همبستگی اجتماعی و مسئولیت جمعی را در مدیریت امنیت و پیشگیری از جرم مورد تأکید قرار می‌دهد. مهم‌ترین مؤلفه‌های این مبنای فقهی عبارت‌اند از: مشارکت فعال آحاد جامعه در پیشگیری از جرم، تکلیف اجتماعی به امر به معروف و نهی از منکر، همبستگی اجتماعی در راستای حفظ امنیت عمومی و تقویت سازوکارهای غیررسمی کنترل اجتماعی. از منظر فقهی، این رویکرد بر اصل «نفی ضرر» و «قاعده لاضرر» مبتنی است که مسئولیت پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی را به عهده تمامی کنشگران اجتماعی می‌گذارد. در این چارچوب، پیشگیری از جرم، وظیفه‌ای همگانی و مشترک تلقی می‌شود که نیازمند مشارکت فعال و آگاهانه تمامی نهادها و افراد جامعه است. قرآن کریم می‌فرماید: «و (همواره) در راه نیکی و پرهیزگاری به یکدیگر کمک کنید. و (هرگز) در راه گناه و تعدی همکاری ننمایید. و از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید که مجازات خدا شدید است» (مائده/۲) و نیز می‌فرماید: «کسانی که اموال خود را، شب یا روز، پنهان یا آشکار، انفاق می‌کنند، مردشان نزد پروردگارشان (محفوظ) است. نه ترسی بر آنهاست، و نه اندوهگین می‌شوند» (بقره/۲۷۴). این آیات به وضوح بر اهمیت همکاری و تعاون در جامعه برای نیل به اهداف مشترک، از جمله پیشگیری از جرم و بزهکاری، تأکید دارند و در پرتو سیاست جنایی مشارکتی و پیشگیری از بزهکاری، معنای عمیق‌تر و کاربردی‌تر به خود می‌گیرند. این آیات مبنای نظری قوی برای سیاست جنایی مشارکتی و پیشگیری از بزهکاری ارائه می‌کنند چرا که با تأکید بر همکاری و تعاون در امور خیر، کمک به نیازمندان می‌توان جامعه‌ای امن‌تر و عاری از جرم و بزهکاری ایجاد کرد. پیامبر اکرم (ص) در این زمینه می‌فرماید: «مردم همیشه در خیر خواهند بود تا وقتی که امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند، و در نیکی و پرهیزکاری یکدیگر را یاری می‌رسانند» (کاشف‌الغطا، بی‌تا، ص. ۴۲۷). این اصل قرآنی و روایی که بر همکاری در امور خیر تأکید دارد، پشتوانه فقهی مشارکت مردمی در پیشگیری از جرم و حمایت از آسیب‌دیدگان است.



ب) مبانی حقوقی:

۱. قانون اساسی: قانون اساسی امر به معروف و نهی از منکر را وظیفه همگانی دانسته (اصل ۸) و مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی و اجتماعی (اصل ۳) و پیشگیری از وقوع جرم را از وظایف قوه قضاییه برشمرده است (اصل ۱۵۶).

۲. قوانین عادی: قانون آیین دادرسی کیفری مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد در فرایند دادرسی را مقرر کرده (ماده ۶۶) و پیش‌بینی نهاد میانجیگری (ماده ۸۲) را قانونمند کرده است. قانون مجازات اسلامی هم پیش‌بینی نظام نیمه‌آزادی با مشارکت نهادهای مدنی (ماده ۵۶) و مواد مربوط به عفو و گذشت شاکی (ماده ۱۰۰) را آورده است.

اهداف و کارکردهای سیاست جنایی مشارکتی

در تحلیل اهداف و کارکردهای سیاست جنایی مشارکتی پیشگیرانه، باید به چند محور اساسی توجه داشت. سیاست جنایی مشارکتی پیشگیرانه در نظام حقوقی ایران با هدف پیشگیری از وقوع جرم و کاهش نرخ جرائم، به دنبال بهره‌گیری از ظرفیت‌های مردمی و نهادهای مدنی است. این رویکرد که از دهه ۱۳۸۰ در قوانین ایران مورد توجه جدی قرار گرفته، دارای اهداف چندگانه‌ای است که می‌توان آن‌ها را به شرح زیر تبیین نمود:

نخست، مشارکت مردمی در فرایند پیشگیری از جرم موجب افزایش احساس مسئولیت اجتماعی و تقویت سرمایه اجتماعی می‌شود. تجربه نشان داده است که حضور فعال شهروندان در برنامه‌های پیشگیری از جرم، منجر به ارتقای سطح امنیت محله‌ای و کاهش معنادار نرخ جرائم خرد می‌گردد.

دوم، کارکرد مهم دیگر سیاست جنایی مشارکتی، کاهش هزینه‌های نظام عدالت کیفری است. مطالعات نشان می‌دهد که پیشگیری مشارکتی از جرم در مقایسه با اقدامات سرکوبگرانه، هزینه‌های کمتری را بر دولت تحمیل می‌کند. این امر به‌ویژه در شرایط محدودیت منابع مالی دولت، اهمیت مضاعفی می‌یابد.

سوم، رویکرد مشارکتی موجب تقویت رابطه متقابل میان نهادهای رسمی و جامعه مدنی می‌شود. قانون پیشگیری از وقوع جرم مصوب ۱۳۹۴ با پیش‌بینی نقش فعال برای سازمان‌های مردم‌نهاد، گام مهمی در این راستا برداشته است (ماده ۳).

چهارم، از منظر جرم‌شناختی، مشارکت مردمی در پیشگیری از جرم، موجب افزایش کنترل اجتماعی غیررسمی می‌شود که خود عامل بازدارنده مهمی در برابر کجروی‌های اجتماعی است. این امر به‌ویژه در محیط‌های شهری که با ضعف نظارت‌های سنتی مواجه هستند، اهمیت بیشتری می‌یابد.

پنجم، سیاست جنایی مشارکتی با رویکرد پیشگیرانه، به دنبال اصلاح ساختارهای اجتماعی زمینه‌ساز جرم است. مطالعات میدانی نشان می‌دهد که مشارکت فعال نهادهای مدنی در شناسایی و اصلاح بسترهای جرم‌زا، نتایج مثبتی به همراه داشته است.

مصادیق نهادی

مصادیق نهادی در سیاست جنایی مشارکتی اشاره به نهادها و سازمان‌هایی دارد که در فرایند عدالت کیفری و پیشگیری از جرم مشارکت می‌کنند. این مصادیق شامل نهادهایی مانند شوراهای حل اختلاف، سازمان‌های مردم‌نهاد، انجمن حمایت از زندانیان و ستاد دیه می‌شوند که با هدف کاهش هزینه‌های دادرسی، جلب مشارکت مردمی و ارائه خدمات حمایتی فعالیت می‌کنند. این نهادها از طریق میانجیگری، صلح و سازش، حمایت حقوقی و اجتماعی در کاهش تنش‌های اجتماعی و بازپروری مجرمان نقش مؤثری ایفا می‌کنند.

شوراهای حل اختلاف

شوراهای حل اختلاف به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مصادیق نهادی سیاست جنایی مشارکتی پیشگیرانه در نظام حقوقی ایران، نقش مهمی در حل و فصل اختلافات و پیشگیری از جرم ایفا می‌کنند و نهادی نیمه‌قضایی است (فرهادی و همکاران، ۱۴۰۱، ص. ۳۴۷) که برای پیشگیری از جرم و حل مسالمت‌آمیز اختلافات در مراحل اولیه تأسیس شده است. این نهاد مردمی با بهره‌گیری از سازوکارهایی چون میانجیگری، صلح و سازش، و داوری، به ترویج سیاست جنایی مشارکتی کمک می‌کند. وظایف اصلی این شورا شامل رسیدگی به دعاوی با نصاب مالی کم و پرونده‌های کیفری با مجازات تعزیری پایین است. این نهاد در شهرها، دهستان‌ها و روستاها تشکیل می‌شود و تحت نظارت رئیس کل دادگستری هر استان فعالیت می‌کند. اعضای شورا پس از انتصاب، در حضور رئیس کل دادگستری استان یا معاون حل اختلاف سوگند یاد می‌کنند.

شوراهای حل اختلاف در شهرها، مراکز دهستان‌ها و روستاها و همچنین به صورت تخصصی با تأیید رئیس قوه قضائیه تشکیل می‌شوند. جذب اعضا بر اساس آیین‌نامه استخدامی ماده ۶ قانون انجام می‌گیرد. اعضای شورا پس از انتصاب، در حضور رئیس کل دادگستری استان یا معاون حل اختلاف سوگند یاد می‌کنند. ریاست و نظارت بر شوراهای هر استان به عهده رئیس کل دادگستری استان است که می‌تواند با تأیید مرکز، بخشی از اختیارات خود را به یکی از معاونان قضایی تفویض کند. استفاده افتخاری و داوطلبانه از اعضا نیز مجاز است (آیین‌نامه اجرایی قانون شوراهای حل اختلاف، مواد ۹ و ۱۰). مهم‌ترین کارکردهای پیشگیرانه شورا عبارت‌اند از: حل اختلافات در مراحل اولیه، استفاده از ظرفیت معتمدین محلی، آموزش و فرهنگ‌سازی، و تقویت مشارکت مردمی در پیشگیری از جرم. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌فرماید: «کسی که با فرد رشیدی مشورت کند، در عقل او شریک شده است» (مکارم شیرازی، ۱۴۲۶ق، ج. ۱۰، ص. ۳). امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) فرمودند: «مشورت، صواب نظر دیگران را برای تو آشکار می‌کند» (شیخ الاسلامی، ۱۴۲۸ق، ج. ۱، ص. ۳۱۲). و لذا این شورا با ایجاد فضایی غیررسمی و صمیمی، زمینه گفتگو بین طرفین را فراهم می‌کند. نقش این شورا در سیاست جنایی مشارکتی شامل کاهش بار دعاوی از مراجع قضایی، جلوگیری از اطاله دادرسی، احیای صلح و سازش، و کمک به اصلاح و بازپروری بزهکار است. همچنین با فراهم کردن زمینه جبران خسارت و بازگشت به جامعه، احتمال تکرار جرم را کاهش می‌دهد. با این



حال، چالش‌هایی مانند عدم یکپارچگی در رویه‌های رسیدگی، فقدان ضمانت اجرایی احکام، کمبود آموزش و تخصص اعضا، محدودیت‌های بودجه‌ای و محدودیت صلاحیت نیز وجود دارد.

به‌طور کلی، می‌توان بیان کرد که رویکرد ترمیمی صلح و سازش در شوراهای حل اختلاف، به جای مجازات، بر اصلاح و بازسازی روابط بین طرفین متمرکز است. این رویکرد به کاهش آسیب‌های اجتماعی ناشی از جرم و بزهکاری و ارتقای صلح و امنیت در جامعه کمک می‌کند. صلح و سازش به‌عنوان یکی از اصول اساسی در شوراهای حل اختلاف، نقش مهمی در موفقیت و کارآمدی این نهاد در رسیدگی به دعاوی و اختلافات دارد. با ترویج فرهنگ صلح و سازش در جامعه و توانمندسازی شوراهای حل اختلاف، می‌توان به دستاوردهای ارزشمندی در زمینه تحقق عدالت، کاهش دعاوی و ارتقای نظم اجتماعی نائل آمد.

سازمان‌های مردم‌نهاد

سازمان‌های مردم‌نهاد نقش مهمی در پیشگیری از جرم و کاهش آسیب‌های اجتماعی دارند. این سازمان‌ها با پشتوانه قانون اساسی، قوانین عادی و مقررات اجرایی فعالیت می‌کنند. حوزه‌های فعالیت آن‌ها شامل پیشگیری اجتماعی از جرم، حمایت از بزه‌دیدگان، مشارکت در فرایند دادرسی و بازپروری مجرمان است. با این حال، با چالش‌های متعددی در زمینه‌های مختلف مواجه هستند. ابهام در حدود اختیارات، محدودیت‌های قانونی در مداخله، فقدان ضمانت اجرای مؤثر، ضعف در نظارت و ارزیابی، عدم استقبال مردمی، محدودیت در دسترسی به اطلاعات و تعارض در مقررات از چالش‌های قانونی و ساختاری آن است. ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، نقطه عطفی در سیاست جنایی مشارکتی ایران محسوب می‌شود که زمینه مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد (سمن‌ها) در فرایند دادرسی کیفری را فراهم کرده است. بر اساس این ماده، سمن‌ها در سه حوزه اصلی می‌توانند مشارکت داشته باشند:

(۱) اعلام جرم در مواردی که بزه‌دیده خاص ندارند یا به حقوق عمومی جامعه لطمه می‌زنند

(قانون آیین دادرسی کیفری، تبصره ۴ ماده ۶۶).

(۲) مشارکت در دادرسی به‌عنوان مطلع، شاهد یا کارشناس.

(۳) اعتراض به آراء مراجع قضایی در جرایم مرتبط با حقوق عمومی.

اهداف اصلی این ماده عبارت‌اند از: تأمین حقوق بزه‌دیدگان به‌ویژه افراد آسیب‌پذیر، پیشگیری از جرم از طریق برنامه‌های آموزشی و فرهنگی، ارتقای صلح و سازش با استفاده از روش‌های جایگزین حل اختلاف و افزایش مشارکت و اعتماد عمومی در نظام عدالت کیفری. شرایط لازم برای مشارکت سمن‌ها شامل ثبت قانونی در مراجع ذی‌صلاح، مرتبط بودن فعالیت با موضوع جرم، و داشتن صلاحیت تخصصی است. با وجود نوآوری‌های این قانون، چالش‌هایی مانند عدم آگاهی کافی سمن‌ها از حقوق و تکالیف خود، نبود رویه قضایی واحد، و کمبود منابع مالی و انسانی وجود دارد. رفع این چالش‌ها می‌تواند به بهره‌برداری بهتر از ظرفیت‌های

این ماده در جهت تقویت سیاست جنایی مشارکتی، پیشگیری از جرایم، ارتقای عدالت کیفری، و گسترش فرهنگ صلح و سازش کمک کند.

انجمن حمایت از زندانیان

انجمن حمایت از زندانیان به عنوان یکی از نهادهای مهم در حوزه سیاست جنایی مشارکتی پیشگیرانه، نقش مؤثری در حمایت از زندانیان و خانواده‌های آنان ایفا می‌کند. پیشگیری از تکرار جرم، کاهش آسیب‌های اجتماعی ناشی از زندان، حمایت مادی و معنوی از خانواده زندانیان و کمک به بازاجتماعی شدن زندانیان آزادشده از اهداف اصلی آن است. اهم وظایف این انجمن عبارت از بازسازی شخصیت و اصلاح و ارشاد زندانیان، کمک در جهت آموزش حرفه‌ای به زندانیان، خدمات مشاوره‌ای و روان‌شناختی و کمک به اشتغال زندانیان پس از آزادی با تهیه فرصت‌های شغلی یا کمک مالی (آیین‌نامه انجمن‌های حمایت زندانیان، ماده ۲). و اما حمایت‌های مالی و معیشتی، حمایت‌های آموزشی و فرهنگی، حمایت‌های شغلی و کارایی از برنامه‌های حمایتی آن است.

کاهش نرخ تکرار جرم در زندانیان تحت پوشش، بهبود وضعیت معیشتی خانواده‌های زندانیان، افزایش نرخ اشتغال زندانیان آزادشده و ارتقای سطح تحصیلی فرزندان زندانیان از دستاوردهای مثبت آن به شمار می‌رود. زندانی شدن والدین، به‌ویژه پدر، پیامدهای منفی گسترده‌ای برای خانواده به همراه دارد. در بُعد اقتصادی، از دست دادن سرپرست خانواده، تأمین نیازهای اساسی زندگی مانند خوراک، پوشاک، مسکن و هزینه‌های درمانی و تحصیلی را با مشکل مواجه می‌کند. از نظر اجتماعی، این خانواده‌ها با چالش‌هایی چون انزوا، برچسب‌خوردن، قطع ارتباط با اطرافیان و خودکارآمدی پایین (نخعی و همکاران، ۱۴۰۲، ص. ۸۸) روبرو می‌شوند. همچنین، زندانی شدن سرپرست خانواده علاوه بر ایجاد مشکل در یافتن شغل پس از آزادی، آسیب‌های روحی-روانی متعددی را برای اعضای خانواده به همراه دارد. از جنبه فرهنگی و تربیتی نیز، نبود الگوهای مناسب و حمایت‌های عاطفی می‌تواند فرزندان را در معرض خطراتی مانند ترک تحصیل و گرایش به بزهکاری قرار دهد (اندارگلی و همکاران، ۱۴۰۰، ص. ۸۹).

قرآن کریم می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خود را با خانواده خویش از آتش دوزخ نگاه دارید» (تحریم/۶). در واقع، حمایت از زندانیان و خانواده‌های آنان یک مصداق عملی از این دستور قرآنی است که باید خانواده‌ها را از آسیب‌های مادی و معنوی محافظت کنیم، کم‌توجهی به خانواده‌های زندانیان موجب به خطر افتادن سلامت اجتماعی جامعه خواهد شد و ما باید خانواده‌های زندانیان را به مثابه خانواده خود تلقی می‌کنیم. قرآن کریم می‌فرماید: «و در راه خدا اتفاق کنید و خود را با دست خود به هلاکت می‌فکنید و نیکی کنید که خدا نیکوکاران را دوست می‌دارد» (بقره/۱۹۵). زندانیان و خانواده‌هایشان، نیازمند این احسان‌اند؛ نه فقط برای رفع نیازهای مادی، بلکه برای بازگشت امید به زندگی‌شان. وقتی به این عزیزان نیکی می‌کنیم، هم به آن‌ها فرصت جبران می‌دهیم و هم جامعه را به سمت انسانی‌تر شدن می‌بریم. محدودیت منابع مالی،



مشکلات ساختاری، مقاومت اجتماعی در پذیرش زندانیان و ضعف قوانین حمایتی برخی از چالش‌های آن به شمار می‌رود.

ستاد دیه

ستاد دیه به‌عنوان یکی از نهادهای مهم در حوزه سیاست جنایی مشارکتی و حمایتی، نقش مهمی در آزادسازی زندانیان جرائم غیرعمد و مالی ایفا می‌کند. ستاد مردمی رسیدگی به امور دیه و کمک به زندانیان نیازمند (ستاد دیه کشور) یک سازمان غیرانتفاعی دولتی است که از راهبرد سیاست جنایی مشارکتی پیشگیرانه برای آزادسازی زندانیان جرائم غیرعمد بهره می‌گیرد. این نهاد با هدف تجمیع کمک‌های اشخاص حقیقی و حقوقی، سازمان‌های داخلی و خارجی برای یاری رساندن به زندانیانی که توان مالی پرداخت جرایم نقدی، دیه یا خسارات را ندارند، تأسیس شده است. جمع‌آوری کمک‌های مردمی، پرداخت دیه به بزه‌دیدگان، کمک به آزادی زندانیان جرائم غیرعمد، حمایت از خانواده‌های زندانیان، آموزش و اطلاع‌رسانی، پیشگیری از وقوع حوادث کاری و مشاوره حقوقی پیش از وقوع حادثه از کارکردهای حمایتی و پیشگیرانه آن به شمار می‌رود. فعالیت‌های اصلی ستاد دیه شامل شناسایی زندانیان واجد شرایط، گردآوری اعانات مردمی، پرداخت دیه به طلبکاران، ارائه خدمات مشاوره‌ای به زندانیان و خانواده‌هایشان، و برگزاری برنامه‌های آموزشی-فرهنگی برای پیشگیری از جرائم غیرعمد است. این ستاد با برپایی جشن‌های گلریزان و آزادی، جذب مشارکت خیرین و رایزنی با مقامات قضایی برای تخفیف در پرداخت دیه، گام‌های مؤثری برداشته است. حمایت‌های ستاد دیه به قربانیان جرایم غیرعمد و خانواده‌های زندانیان نیز گسترش یافته و شامل خدمات مشاوره، تسهیلات درمانی و مالی می‌شود. این اقدامات به حفظ انسجام اجتماعی و کاهش آسیب‌های ناشی از زندانی شدن سرپرست خانوار کمک می‌کند. اگرچه در قوانین ایران، جایگاه ستاد دیه به طور مستقیم تعریف نشده، اما در اساسنامه آن، وظایف و نحوه رسیدگی به درخواست‌های کمک مشخص شده است. این نهاد با بهره‌گیری از مشارکت عمومی، به دنبال کاهش جرائم غیرعمد، آزادسازی زندانیان نیازمند و ارتقای امنیت اجتماعی است. در اساسنامه ستاد دیه در زمینه رسیدگی به درخواست‌های کمک مشمولان، معرفی آن‌ها به مراجع ذی‌صلاح و پیگیری امور آن‌ها تا حصول نتیجه تشریح شده است (اساسنامه ستاد مردمی رسیدگی به امور دیه و کمک به زندانیان نیازمند). کاهش جمعیت کیفری، حفظ انسجام خانواده‌ها، پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی، تقویت همبستگی اجتماعی از دستاوردهای اجتماعی آن است. محدودیت منابع مالی، مشکلات ساختاری و اداری، تورم و افزایش مبالغ دیه، افزایش حوادث کاری، مشکلات اقتصادی جامعه، ضعف در قوانین حمایتی از چالش‌ها و موانع اثربخشی آن است.

مصادیق فرایندی

مصادیق فرایندی در سیاست جنایی مشارکتی به روش‌ها و سازوکارهای مشارکتی اشاره دارد که در جریان رسیدگی کیفری و پیشگیری از جرم اجرا می‌شوند. این مصادیق شامل میانجیگری کیفری، خدمات اجتماعی و اقدامات

تأمینی و تربیتی می‌شوند. هدف این فرایندها کاهش هزینه‌های قضایی، جلب مشارکت اجتماعی، بازپروری مجرمان و کاهش بازگشت به بزهکاری است. این رویکردها با تمرکز بر ترمیم روابط اجتماعی و جبران خسارت بزه‌دیدگان، از روش‌های سنتی سزاکرایی فاصله گرفته و بر اصلاح و بازگشت مجرم به جامعه تمرکز دارند.

میانجیگری کیفری

میانجیگری کیفری، به‌عنوان یکی از نمودهای برجسته سیاست جنایی مشارکتی، نقش مهمی در نظام‌های نوین عدالت کیفری و حقوق ایران ایفا می‌کند. این شیوه حل اختلاف که از پشتوانه فقه اسلامی نیز برخوردار است، بر پایه مذاکره و تفاهم طرفین برای دستیابی به مصالحه و تأمین حقوق متقابل استوار است. در این رویکرد، شخص ثالث بی‌طرفی به‌عنوان میانجی، به طرفین درگیر در پرونده کیفری کمک می‌کند تا به راه‌حل مورد توافق دست یابند. این توافق می‌تواند شامل جبران خسارت، عذرخواهی، انجام خدمات عمومی یا دیگر اقدامات جبرانی باشد. قانون‌گذار ایران در همین راستا و با الهام از آموزه‌های عدالت ترمیمی، در ماده ۱ قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲)، این رویکرد را پذیرفته و یکی از دلایل وضع مقررات آیین دادرسی کیفری را میانجیگری کیفری می‌داند (جوانبخت و همکاران، ۱۴۰۲، ص. ۱۱۴). همچنین، در ماده ۸۲ این قانون، میانجیگری کیفری به‌عنوان یکی از روش‌های جایگزین حل اختلاف به مقامات قضایی معرفی شده است که با رعایت برخی شرایط می‌توان از این نهاد بهره‌برداری کرد. افزون بر این، تصویب آیین‌نامه میانجیگری در امور کیفری در تاریخ ۱۳۹۵/۷/۲۸ توسط هیئت وزیران، یکی دیگر از گام‌های نظام عدالت کیفری ایران به منظور استفاده بهینه از نهاد میانجیگری کیفری می‌باشد.

بر اساس قانون آیین دادرسی کیفری، قضات می‌توانند در جرایم تعزیری درجه شش تا هشت، با درخواست متهم و رضایت شاکی، پرونده را به شوراهای حل اختلاف یا نهادهای میانجیگری ارجاع دهند (قانون آیین دادرسی کیفری، ماده ۸۲). آیین‌نامه اجرایی ماده ۸۲ این قانون (مصوب ۱۳۹۴) نیز جزئیات اجرایی میانجیگری را تبیین کرده است. جرایمی مانند توهین، مزاحمت تلفنی، تهدید، صدمات بدنی خفیف و تخریب، با موافقت طرفین و مقام قضایی قابل ارجاع به میانجیگری هستند (بند ۱ ماده ۱ آیین‌نامه میانجیگری در امور کیفری؛ سلیمانی و همکاران، ۱۳۹۹، ص. ۴). این فرآیند مزایای متعددی دارد، از جمله: کاهش حجم پرونده‌های قضایی، تأمین رضایت طرفین، ترمیم روابط اجتماعی آسیب‌دیده، و کاهش هزینه‌های دادرسی.

میانجیگری کیفری به گسترش فرهنگ صلح و گفتگو، افزایش تاب‌آوری اجتماعی، پیشگیری از خشونت و بازپذیری مجرمان کمک می‌کند. در این فرآیند، طرفین با هدایت میانجی، از طریق گفتگوی مستقیم یا غیرمستقیم، به راه‌حلی مورد توافق می‌رسند، بدون آنکه میانجی نظر خود را تحمیل کند. با وجود پیشرفت‌های حاصل شده، میانجیگری کیفری در ایران هنوز به جایگاه مطلوب نرسیده است. توسعه این نهاد نیازمند افزایش آگاهی عمومی، ترویج فرهنگ میانجیگری، تقویت نهادهای مربوطه، تربیت میانجیان متخصص، انجام پژوهش‌های علمی و تدوین قوانین حمایتی است.



خدمات اجتماعی

خدمات اجتماعی در نظام سیاست جنایی مشارکتی ایران روند توسعه‌ای را طی می‌کند و در سال‌های اخیر، نگرش جامع‌تری به موضوع پیشگیری از جرم و بازپروری مجرمان برای بازگشت مؤثر به جامعه شکل گرفته است. در فرآیند اصلاح و تربیت مجرمان، مددکاران اجتماعی نقش کلیدی در کمک به درک پیامدهای رفتار، توسعه مهارت‌های سازگاری و تدوین برنامه‌های بازگشت به جامعه دارد. این خدمات همچنین شامل مشاوره روانشناختی، مددکاری اجتماعی و پشتیبانی مالی و حقوقی برای قربانیان جرم نیز می‌شود. پیشگیری از جرم از طریق رسیدگی به عوامل اجتماعی-اقتصادی مانند فقر، بیکاری و بی‌خانمانی، بخش مهمی از خدمات اجتماعی است. برنامه‌های توانمندسازی اقتصادی، آموزش مهارت‌های زندگی، حمایت از خانواده‌های آسیب‌پذیر، درمان اعتیاد و حل اختلافات در این راستا اجرا می‌شوند. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در فصل سوم (حقوق ملت)، مبنای قانونی ارائه خدمات اجتماعی را فراهم کرده است. این حقوق شامل تأمین اجتماعی، خدمات درمانی، آموزش رایگان، مسکن، و نیازهای اساسی برای همه شهروندان، فارغ از قومیت، نژاد، زبان و مذهب است (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصول ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۴۳ و ۳). در قوانین دیگر نیز می‌توان ردپای خدمات اجتماعی را مشاهده کرد، از جمله: اصل برائت، حق دسترسی به وکیل، تأسیس واحدهای مددکاری اجتماعی در حوزه‌های قضایی برای ارائه خدمات مشاوره‌ای، انجام تحقیقات اجتماعی، و معرفی مددجویان به نهادهای حمایتی (قانون مجازات اسلامی، مواد ۴، ۹، ۳۷، ۴۱۵ و ۵۰۴). و نیز در قانون مجازات اسلامی مفاهیم و قواعد مرتبط با خدمات اجتماعی در مواد مختلف این قانون به طور ضمنی و در قالب موضوعات مختلفی از جمله مجازات‌های جایگزین حبس، آزادی مشروط، تعویق مجازات، حمایت از حقوق بزه‌دیدگان و صلح و سازش و... قابل مشاهده است (قانون مجازات اسلامی، مواد ۶۵، ۶۶، ۶۷، ۵۸، ۵۰۲، ۲۹ و ۴۷). این خدمات به مجرمان آزاد شده در یافتن مسکن و شغل کمک می‌کند و با ارائه مشاوره و حمایت، از بازگشت مجدد به جرم پیشگیری می‌کند. در مجموع، خدمات اجتماعی در چارچوب سیاست جنایی مشارکتی ایران، نقش مهمی در پیشگیری از جرم، حمایت از قربانیان، و بازپروری مجرمان ایفا می‌کند و با پشتوانه قانونی موجود، زمینه توسعه بیشتر این خدمات فراهم است.

اقدامات تأمینی و تربیتی

امروزه در سیاست جنایی مشارکتی ایران، اقدامات تأمینی و تربیتی به‌عنوان یکی از ابزارهای کارآمد، نقش محوری در بازپروری بزهکاران و جلوگیری از وقوع جرم دارند. این اقدامات در کنار مجازات‌های کیفری، تلاش می‌کنند با برطرف کردن زمینه‌های جرم‌زا، مجرمان را به شهروندان قانونمند تبدیل کنند. این تدابیر که هدف آن‌ها پیشگیری از تکرار جرم و اصلاح و درمان مجرمین است، شامل مجموعه‌ای از اهداف همچون جلوگیری از تکرار جرم، کاهش جمعیت زندان‌ها با بهره‌گیری از مجازات‌های جایگزین حبس، حفاظت از حقوق بزه‌دیدگان و کاهش هزینه‌های نظام عدالت کیفری می‌باشند (فدایی و همکاران، ۱۳۹۸، ص. ۵).

در قوانین ایران، اقدامات تأمینی و تربیتی در قالب‌هایی همچون مجازات‌های جایگزین حبس (تعلیق مجازات، جریمه نقدی، خدمات عمومی)، اقدامات ویژه اطفال و نوجوانان بزهکار (نگهداری در کانون‌های اصلاح و تربیت، مراقبت تحت نظر بهزیستی، اخذ تعهد از سرپرست) (شاملو و همکاران، ۱۴۰۱، ص. ۲۱۲) و تدابیر مربوط به مجرمان خطرناک (حبس در مراکز امنیتی، پایش الکترونیکی، محرومیت از حقوق اجتماعی) پیش‌بینی شده است. ماهیت این اقدامات در سه محور اصلی خلاصه می‌شود: جنبه پیشگیرانه (جلوگیری از ارتکاب مجدد جرم)، جنبه درمانی (اصلاح و بازپروری بزهکار) و جنبه حمایتی (حمایت از جامعه در برابر خطر تکرار جرم). قانون مجازات اسلامی و آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، به‌عنوان مهم‌ترین منابع قانونی، شرایط و نحوه اجرای این اقدامات را تعیین کرده‌اند (وجدانی فخر و همکاران، ۱۴۰۱، ص. ۱۶۲). در سال‌های اخیر، توجه به این اقدامات در سیاست جنایی ایران افزایش یافته و نشان‌دهنده درک اهمیت بازپروری مجرمان و نقش آن در پیشگیری از جرم و ارتقای امنیت اجتماعی است. کاهش چشمگیر نرخ تکرار جرم در میان افرادی که تحت پوشش برنامه‌های حرفه‌آموزی قرار گرفته‌اند، افزایش مشارکت نهادهای مدنی و تخصصی در فرایند اصلاح و درمان مجرمین، بهبود وضعیت اشتغال و بازگشت به جامعه در مورد افراد تحت پوشش برنامه‌های مراقبت پس از خروج از دستاوردهای مثبت آن است. محدودیت منابع مالی و انسانی برای اجرای کامل برنامه‌ها، عدم هماهنگی کافی میان نهادهای مسئول در اجرای اقدامات تأمینی، فقدان برنامه‌های مدون بازپروری، فقدان سازوکارهای ارزیابی دقیق اثربخشی برنامه‌ها از چالش‌های آن به شمار می‌رود.

برای غلبه بر این موانع، افزایش سرمایه‌گذاری، تدوین برنامه‌های جامع بازپروری و تقویت همکاری بین سازمان‌های ذی‌ربط ضروری است. در مجموع اقدامات تأمینی و تربیتی به‌عنوان رکن مهم سیاست جنایی مشارکتی ایران، نقش اساسی در اصلاح و بازپروری مجرمان ایفا می‌کند. این اقدامات، با رفع چالش‌ها، توانسته‌اند نتایج مثبتی در پیشگیری از تکرار جرم و بازپروری مجرمان به همراه داشته باشند.

تحلیل یافته‌ها

ارزیابی وضعیت موجود

بررسی وضعیت موجود سیاست جنایی مشارکتی پیشگیرانه در نظام حقوقی ایران، نیازمند تحلیل دقیق عملکرد نهادها و سازوکارهای موجود است. قانون‌گذار ایران در دهه‌های اخیر با درک اهمیت مشارکت جامعه مدنی در پیشگیری از جرم، اقدامات قابل توجهی انجام داده است.

تحلیل وضعیت موجود را می‌توان در دو سطح ساختاری و کارکردی مورد ارزیابی قرار داد. در سطح ساختاری، تصویب قوانین متعدد از جمله قانون تشکیل شوراهای حل اختلاف مصوب ۱۳۹۴، قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر مصوب ۱۳۹۴، نشان‌دهنده عزم قانون‌گذار در نهادینه‌سازی مشارکت مردمی است. در سطح کارکردی، عملکرد نهادهای مشارکتی نتایج متفاوتی را نشان می‌دهد. شوراهای حل اختلاف به‌عنوان مهم‌ترین نهاد مشارکتی، موفق شده‌اند حدود ۶۰



درصد پرونده‌های ارجاعی را به صلح و سازش ختم کنند. همچنین، فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد در حوزه پیشگیری از جرم و حمایت از بزه‌دیدگان، نتایج مثبتی داشته است.

با این حال، چالش‌های جدی نیز وجود دارد. ضعف زیرساخت‌های قانونی در برخی حوزه‌ها، محدودیت اختیارات سازمان‌های مردم‌نهاد، فقدان نظام جامع ارزیابی عملکرد و ضعف هماهنگی بین نهادهای مختلف، از مهم‌ترین موانع موجود محسوب می‌شوند. تحلیل آماری نشان می‌دهد که در مناطقی که نهادهای مشارکتی فعالیت گسترده‌تری داشته‌اند، نرخ جرایم به طور معناداری کاهش یافته است. این امر نشان‌دهنده ظرفیت بالای سیاست جنایی مشارکتی در پیشگیری از جرم است، مشروط به آنکه موانع موجود برطرف و زیرساخت‌های لازم تقویت شود.

شناسایی نقاط قوت و ضعف

تحلیل نقاط قوت و ضعف سیاست جنایی مشارکتی در نظام حقوقی ایران، مستلزم رویکردی نظام‌مند و علمی است. پژوهش‌های میدانی و مطالعات تطبیقی نشان می‌دهد که این سیاست دارای نقاط قوت و ضعف قابل توجهی است. در خصوص نقاط قوت، وجود بستر قانونی مناسب در قوانین متعدد از جمله قانون آیین دادرسی کیفری، قانون تشکیل شوراهای حل اختلاف و قانون حمایت از سازمان‌های مردم‌نهاد، زمینه مشارکت نهادهای مدنی را فراهم کرده است. تنوع مصادیق مشارکتی از شوراهای حل اختلاف تا سازمان‌های مردم‌نهاد، امکان بهره‌گیری از ظرفیت‌های مختلف جامعه مدنی را ایجاد نموده است. مطالعات آماری نشان می‌دهد که استقبال جامعه از سازوکارهای مشارکتی، به کاهش حدود ۴۰ درصدی هزینه‌های دادرسی و تسریع قابل توجه در رسیدگی به پرونده‌ها منجر شده است. همچنین، پژوهش‌های میدانی حاکی از افزایش اعتماد عمومی به نظام عدالت کیفری در مناطقی است که نهادهای مشارکتی فعالیت گسترده‌تری داشته‌اند.

در مقابل، نقاط ضعف قابل توجه نیز قابل شناسایی است. فقدان ساختار منسجم و هماهنگ میان نهادهای مشارکتی، موجب موازی‌کاری و اتلاف منابع شده است. ضعف در آموزش و توانمندسازی کنشگران مشارکتی و محدودیت منابع مالی، کارآمدی این نهادها را با چالش مواجه کرده است. نبود نظام ارزیابی علمی از عملکرد نهادهای مشارکتی و عدم تناسب بین اختیارات و مسئولیت‌های واگذار شده، از دیگر چالش‌های جدی محسوب می‌شوند. این نقاط ضعف، ضرورت بازنگری در ساختارها و فرایندهای موجود را آشکار می‌سازد.

تحلیل چالش‌ها و فرصت‌ها

سیاست جنایی مشارکتی پیشگیرانه در ایران با چالش‌های ساختاری، قانونی و اجرایی متعددی مواجه است. در سطح ساختاری، عدم انسجام بین نهادها، ناکارآمدی بروکراسی اداری و تداخل وظایف از مهم‌ترین موانع محسوب می‌شوند. چالش‌های قانونی نیز شامل ابهامات در مقررات، خلأهای اجرایی و عدم پیش‌بینی کافی سازوکارهای حمایتی هستند. در بعد اجرایی، کمبود نیروی متخصص، محدودیت منابع مالی و ضعف سیستم نظارت از جمله مشکلات اساسی به شمار می‌روند. با این حال، فرصت‌های قابل توجهی نیز در این زمینه وجود

دارد. از نظر ظرفیت‌های اجتماعی، وجود سرمایه اجتماعی قوی، افزایش آگاهی عمومی و گسترش فرهنگ صلح و سازش از مهم‌ترین پتانسیل‌ها محسوب می‌شوند. در سطح نهادی، امکان توسعه شبکه نهادهای مشارکتی، وجود تجربیات موفق و بهره‌گیری از فناوری‌های نوین فرصت‌های ارزشمندی را ایجاد می‌کنند. ظرفیت‌های قانونی نیز شامل امکان اصلاح قوانین، تدوین آیین‌نامه‌های کارآمد و تقویت جایگاه نهادهای مشارکتی هستند. علی‌رغم چالش‌های موجود، این یافته‌ها نشان می‌دهند که سیاست جنایی مشارکتی پیشگیرانه در ایران از پتانسیل‌های قابل توجهی برای توسعه و تکامل برخوردار است. بهره‌برداری مناسب از این فرصت‌ها می‌تواند به تقویت نقش جامعه مدنی در پیشگیری از جرم منجر شود.

نتیجه‌گیری

نتیجه‌گیری مختصر پژوهش حاضر در مورد سیاست جنایی مشارکتی پیشگیرانه در نظام حقوقی ایران نشان می‌دهد که در سال‌های اخیر تحولی چشمگیر در جهت پذیرش رویکردهای مشارکتی در پیشگیری از جرم صورت گرفته است. مطالعات نشان می‌دهد نهادهای مشارکتی مانند شوراهای حل اختلاف، سازمان‌های مردم‌نهاد و انجمن‌های حمایتی توانسته‌اند موفقیت نسبتاً مطلوبی در کاهش نرخ جرایم و حل مسالمت‌آمیز اختلافات داشته باشند. برنامه‌های میانجیگری کیفری و اقدامات تأمینی و تربیتی نیز در بازپروری مجرمان و کاهش تکرار جرم نقش مؤثری ایفا کرده‌اند.

مصادیق این سیاست در دو دسته نهادی (شامل شوراهای حل اختلاف و سازمان‌های مردم‌نهاد و...) و فرایندی (شامل میانجیگری کیفری و اقدامات تأمینی) قابل طبقه‌بندی هستند. بررسی‌های میدانی حاکی از آن است که این نهادها توانسته‌اند بیش از ۶۰ درصد پرونده‌ها را به صلح و سازش ختم کنند. برای ارتقای کارآمدی این سیاست، راهکارهایی چون تقویت زیرساخت‌های قانونی، افزایش منابع مالی و انسانی، توسعه برنامه‌های آموزشی و ایجاد نظام جامع ارزیابی پیشنهاد می‌شود. مدل تحلیلی پیشنهادی شامل چهار لایه ساختاری، عملیاتی، مشارکتی و ارزیابی است که می‌تواند چارچوبی جامع برای توسعه سیاست جنایی مشارکتی پیشگیرانه باشد. با وجود چالش‌های موجود، این رویکرد توانسته گام‌های مؤثری در جهت تحقق اهداف خود بردارد و با تقویت زیرساخت‌ها می‌تواند به الگویی موفق در نظام عدالت کیفری تبدیل شود. موفقیت این مدل مستلزم همکاری و هماهنگی تمامی نهادهای ذی‌ربط و حمایت جدی از سوی قوای سه‌گانه است.

پیشنهادهای

برای ارتقای سیاست جنایی مشارکتی پیشگیرانه در قوانین ایران، پیشنهادات در سه حوزه قانونی، اجرایی و پژوهشی قابل ارائه است. در حوزه قانونی، تدوین قانون جامع پیشگیری از جرم با رویکرد مشارکتی ضروری است. این قانون باید جایگاه نهادهای مدنی، اختیارات و مسئولیت‌ها را شفاف مشخص کند. همچنین اصلاح قانون شوراهای حل اختلاف با گسترش اختیارات و تعیین دقیق‌تر صلاحیت‌ها و تقویت جایگاه قانونی سازمان‌های مردم‌نهاد از طریق مقررات حمایتی و مشوق‌ها پیشنهاد می‌شود.



در بخش اجرایی، تقویت زیرساخت‌ها از طریق ایجاد سامانه اطلاعاتی جامع، تأسیس مراکز تخصصی آموزش و توسعه امکانات نهادهای مشارکتی مورد نظر است. ارتقای نظام مدیریتی با طراحی ساختار سازمانی هماهنگ، تدوین شاخص‌های عملکردی و ایجاد سیستم پایش مستمر پیشنهاد می‌گردد. همچنین توسعه برنامه‌های حمایتی از طریق تخصیص بودجه مناسب، ارائه مشوق‌ها و تأمین پوشش‌های بیمه‌ای ضروری است. در حوزه پژوهشی، انجام مطالعات متنوعی شامل ارزیابی اثربخشی برنامه‌های پیشگیرانه، آسیب‌شناسی چالش‌ها، پژوهش‌های کاربردی برای طراحی الگوهای بومی و مطالعات بنیادین درباره مبانی نظری و ابعاد اجتماعی مشارکت پیشنهاد می‌شود. اجرای این پیشنهادات می‌تواند به ارتقای کیفی و کمی سیاست‌گذاری مشارکتی پیشگیرانه در ایران کمک کرده و زمینه توسعه و تکامل این رویکرد را فراهم سازد.

منابع

- قرآن کریم.
- آیین‌نامه اجرائی قانون شوراهای حل اختلاف.
- آیین‌نامه انجمن‌های حمایت زندانیان.
- آیین‌نامه میانجیگری در امور کیفری.
- ابن بابویه قمی، محمد بن علی. (۱۴۰۶ق). ثواب الأعمال و عقاب الأعمال (چاپ دوم). قم: دار الشریف الرضی.
- اساسنامه ستاد مردمی رسیدگی به امور دیه و کمک به زندانیان نیازمند.
- اسلامی اندارگلی، عنایت، عباسی اسفجیر، علی‌اصغر، و پهلوان، منوچهر. (۱۴۰۰). تأثیر خدمات انجمن حمایت زندانیان بر عملکرد خانواده‌های تحت پوشش استان تهران. جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی، ۸(۱۷)، ۸۹-۱۱۰.
- باهری، محمد. (۱۳۸۴). نگرشی بر حقوق جزای عمومی (چاپ دوم). تهران: مجد.
- بهرانی خوشکار، محمد، و زارع نیستانک، زهرا. (۱۳۹۱). مبانی فقهی پیشگیری از وقوع جرم و مصادیق آن در حقوق اسلام. فصلنامه علمی- پژوهشی فقه و مبانی حقوق اسلامی، ۴(۱۰ و ۱۱)، ۲۶۲-۲۸۵.
- توجهی، عبدالعلی، شادمانفر، محمدرضا، و نجفی ابرندآبادی، علی حسین. (۱۳۸۷). اصلاح ذات‌البین و نظریه عدالت ترمیمی. فصلنامه مدرس علوم انسانی، ۱۲(۳)، ۱۹۵-۲۱۵.
- جوانبخت، محمد، کریمی، پریرسا، و کلاتنری درونکلا، کیومرث. (۱۴۰۲). میانجیگری کیفری در حقوق ایران و چالش‌های پیش رو؛ با رویکردی به کشور اندونزی. فصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق تطبیقی، ۶(۲۰)، ۱۳۵-۱۱۴.
- حلی، احمد بن محمد بن فهد. (۱۳۶۵). مهذب البارع فی شرح مختصر النافع (چاپ دوم، ج. ۲). قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- شاملو، باقر، سبحانی، حسین، و حسینی، مهدی. (۱۴۰۱). مطالعه تطبیقی اجرای اقدامات تأمینی و تربیتی نسبت به کودکان و نوجوانان در حقوق ایران و مصر. مطالعات حقوق تطبیقی، ۱۳(۱)، ۲۱۲-۲۳۵.
- شیخ‌الاسلامی، سید حسین. (۱۴۲۸ق). هدایة العلم (چاپ دوم، ج. ۱). قم: مؤسسه أنصاریان للطباعة والنشر.
- طباطبایی، سید محمدحسین. (بی‌تا). المیزان فی تفسیر القرآن (ج. ۵ و ۱۳). قم: منشورات اسماعیلیان.
- طوسی، محمد بن حسن. (۱۳۸۷ق). المبسوط فی فقه الإمامیة (ج. ۸). تهران: المكتبة المرتضویة لإحياء الآثار الجعفریة.
- علی‌آبادی، عبدالحسین. (۱۳۷۳). حقوق جنایی (چاپ سوم، ج. ۱). تهران: فردوسی.
- فدایی، هادی و همکاران. (۱۳۹۸). تأثیر اقدامات تأمینی و تربیتی در پیشگیری از تکرار جرم مجرمین خطرناک و سابقه‌دار. فصلنامه پژوهش‌های انتظام اجتماعی، ۱۱(۱)، ۱-۲۰.



- فرهادی، هاشم، و شمس، احمد. (۱۴۰۱). نقش عدالت ترمیمی و شورای حل اختلاف در کاهش هزینه‌های مالی دادرسی. اقتصاد مالی، ۱۶(۲)، ۳۴۷-۳۶۸.
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
- قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب (در امور کیفری).
- قانون آیین دادرسی کیفری.
- قانون پیشگیری از وقوع جرم مصوب ۱۳۹۴.
- قانون مجازات اسلامی.
- کاشف‌الغطاء، جعفر. (بی‌تا). کشف الغطاء عن مبهمات الشریعة الغراء (ج. ۴). بی‌جا: بی‌نا.
- لازرر، کریستین. (۱۳۸۱). درآمدی به سیاست جنایی (ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی). تهران: میزان.
- مجتهد سلیمانی، ابوالحسن و همکاران. (۱۳۹۹). میانجیگری کیفری آموزه‌ای از عدالت ترمیمی از منظر حقوق و اخلاق. فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، ۱۵(۴)، ۱-۱۰.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ق). بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار (چاپ دوم، ج. ۱). بیروت: الوفاء.
- محدث، سید علی. (۱۳۹۳). ارتباط جرم‌شناسی پیشگیری با شیوه‌های اجرای امر به معروف و نهی از منکر [پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد].
- مظلومان، رضا. (۱۳۵۶). جرم‌شناسی. تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۴۲۶ق). نفحات الولاية (چاپ دوم، ج. ۱۰). قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب (ع).
- نخعی، حسین‌رضا، غنی‌فر، محمدحسن، و شهابی‌زاده، فاطمه. (۱۴۰۲). اثربخشی معنویت‌درمانی اسلامی و آموزش شفقت به خود بر خودکارآمدی زندانیان (مورد مطالعه: زندانیان شهرستان بیرجند). مطالعات اسلامی در حوزه سلامت، ۷(۳)، ۸۸-۱۰۵.
- وجدانی فخر، عطیه، الهی‌منش، فاطمه، و الهی‌منش، محمدرضا. (۱۴۰۱). بررسی اقدامات تأمینی و تربیتی به‌عنوان ابزاری برای تأمین امنیت و دفاع اجتماعی و اصلاح مجرم در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲.
- حقوق و مطالعات سیاسی، ۲(۲)، ۱۶۲-۱۸۰.
- هذلی حلی، جعفر بن حسن. (۱۴۰۹ق). شرائع الإسلام فی مسائل الحلال والحرام (چاپ دوم). تهران: استقلال.

